

رویکرد جرم‌شناسی به جرائم خشن بر اساس پرخاشگری و راهکارهای پیشگیری از آنها

علی پایدار فرد^۱، قدرت بشیری^۲، مهرداد رایجیان اصلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

چکیده

از نگاه محققان جنایی، شناسایی شخصیت مرتکبان جرائم خشن یکی از مهم‌ترین موضوعات پژوهشی در راستای مطالعات روان‌شناختی جرائم خشن در حوزه سیاست کیفری جنایی است. هدف این مطالعه تعیین کاربرد و ارائه راهکار روانشناسی علمی نسبت به مرتکبین جرائم خشن است. خشونت مرتکبان ناشی از اختلالات شخصیتی و مشکلات درون و برون خانوادگی و آثار نابرابری قدرت و ثروت در جامعه است و می‌توان زیر نظر متخصصین این علم از پرخاشگری مجدد پیشگیری نمود. همچنین در راستای بازپروری شخصیت مرتکبان به منظور ورود مجدد به اجتماع می‌توان سطوح پرخاشگری و تعداد افراد پرخاشگر را به حداقل رساند و آنان را بر اساس برنامه‌های مدیریت خشم طبقه‌بندی نمود. از سوی دیگر با سنجش آثار این افراد در حین ارتکاب جرم، مجازاتی برای آنان تعیین نمود. علیرغم تدابیر ارفاقی قانون‌گذار و برنامه‌های اصلاحی توسط شورای طبقه‌بندی زندان، خشونت پرخاشگرانه در جامعه سیر فزاینده‌ای داشته و کاهش جمعیت کیفری زندان (از جمله در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) ناکارآمد بوده است.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، خشونت، جرائم خشن، جرم‌شناسی، شخصیت؛

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی دانشگاه تهران، حقوق جزا و جرم‌شناسی

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه قم، حقوق جزا و جرم‌شناسی

^۳ عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

مقدمه

در این مقاله نگراننده وارد حوزه نظریات روانشناسی و ارائه راهکارها شده است و روانشناسان تبیین‌های فردی و خانوادگی را در باب خشونت کافی نمی‌دانند و هرچند که اعتقاد دارند این عوامل می‌تواند به مثابه عامل تشدیدکننده رفتار خشن عمل کند و خشونت یک ابزار نظارتی مهم است که هم از باب روابط نابرابر قدرت در جامعه است و هم به حفظ روابط نابرابر قدرت کمک می‌کند. استفاده از خشونت در تسهیل ارتکاب جرم از سوی مرتکبان با اهداف نامشروع و غیرقانونی خود از قدیم‌الایام وجود داشته است و اعمال خشونت در جامعه باید به مجازات افراد خاطی جهت تشفی خاطر بزه دیده و جامعه منتهی گردد و جامعه می‌بایست پیش‌بینی‌های لازم برای حمایت از قربانی و خود تضمین‌های لازم از طریق اعمال کیفر مقرر نماید و زرادخانه کیفری سزاگرایانه برای بزهکار فعال نماید. برخی ویژگی‌های فردی مرتکبین خشن مانند اعتیاد و فقر را می‌توان به‌عنوان عوامل مؤثر در خشونت در نظر گرفت و برای حل مشکل و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرائم خشن می‌بایست نسبت به اصلاح و درمان و حذف بسترهای جرم و بهبود شخصیت مرتکبین از نگاه روانشناسی علمی اقدام نمود و در سطح فردی دخیل دانستن عوامل فردی مانند فقر و اعتیاد و مصرف الکل و مواد مخدر و در سطح خانوادگی تنش در خانواده و عدم آرامش و آسایش و سوءسابقه خانوادگی و در سطح اجتماعی عواملی چون ناکامی و بیکاری و فقر و در سطح جامعه نابرابری قدرت و ثروت که در نتیجه ترکیبی از برخی یا همه عوامل مذکور می‌تواند مؤثر در پرخاشگری باشد و همچنین با توجه به اینکه شرایط برابر طبقات پایین جامعه بیشتر از سایر طبقات وجود دارد، در نتیجه خشونت نیز در میان افراد این طبقه بیشتر خواهد بود و عواملی چون تعلق به نژاد و مذهب و یا فرهنگ مختلف در آن تأثیر چندانی ندارد و از طرف دیگر در شرایط سخت زندگی در معرض تنش و مشکلات قرار دارند و بازتاب نابرابری قدرت در جامعه به شکل خشونت ظاهر می‌شود و خشونت در حفظ و بقای این روابط نابرابر قدرت عمل می‌کند. وجود خشونت در جرائم باعث می‌شود که جامعه برای حفظ امنیت و آزادی عمومی در یک حالت ترس و دلهره دائمی قرار بگیرد و در جهت پیشگیری از رفتار احتمالی خشن حفاظت و مراقبت‌های لازم بکار گیرد. مرتکبین جرائم خشن فارغ از جنسیت آن‌ها بوده و احتمال پرخاشگری از آن‌ها با توجه به اوضاع و احوال

مرتکب وجود دارد. در این میان، موری اشتراوس از اولین افرادی بود که در حوزه خشونت دست به تحقیق زد. در حال حاضر، به‌جای طبقه‌بندی خشونت جنسی بر اساس انواع به طبقه‌بندی آن بر اساس میزان و درجه‌ای که رفتار خشن به بقای سیستم همه‌گیری کمک می‌کند، اقدام می‌شود، چراکه اطلاعات موجود درباره علل خشونت تنها نمایشگر نوک کوه یخ است و قسمت اعظم این پدیده به علل مختلف هنوز آشکار نشده است؛ به عبارتی، زیرآب است و به‌مرور زمان ابهامات موجود روشن می‌گردد. سیاست جنایی تقنینی ما در موادی از قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، بر مبنای اصلاح و درمان و ارفاق به مرتکبین خشن برای بازپروری آن‌ها و آماده ورود به اجتماع مصوب شده است، البته اگرچه قانون‌گذار ما تمام تلاش خود را برای کاهش جمعیت کیفری زندان نموده است، اما روزبه‌روز با پرخاشگری در جامعه خود روبرو بوده، چراکه اصولاً روانشناسان بالینی مجرب در فضای زندان نسبت به اصلاح و درمان زندانی اقدام لازم نمی‌نمایند و شورای طبقه‌بندی زندان احتمالاً سود و منفعت راجع به خالی کردن زندان را در اولویت قرار می‌دهد و راهکار علمی آن این‌گونه است که مرتکب می‌بایست تحت نظر متخصصین علم روانشناسی و مددکار اجتماعی باشد و به‌منظور تشکیل پرونده شخصیت وی زیر نظر پزشکی قانونی اقدامات لازم انجام گردد و همچنین آزادی مرتکبین خشن می‌بایست منوط به اعلام نظر قطعی متخصصین روانشناسی، مددکار اجتماعی و پزشکی قانونی باشد و اگر شخص پرخاشگر بدون سنجش علمی از زندان آزاد گردد، ممکن است خشونت دیگری در جامعه در حال ظهور و بروز باشد که احتمال فوران آن علیه جامعه بسیار می‌گردد.

(۱) پیشینه و مبانی نظری

در تمام ادوار همه جوامع خشونت وجود داشته است و از دهه ۷۰ میلادی این پدیده، تاریخی و جهانی شروع شده و بررسی در باب جرائم خشن با مشکلاتی روبرو شده است.

در این قسمت پیشینه و مبانی نظری موضوع حاضر تبیین شده است:

پرخاشگری، رفتاری کلامی یا جسمی است که ممکن است با خشونت و رفتار مجادله‌ای قرین گردد. خشم و خشونت با پیامدهای نامطلوب فراوانی در اشخاص و جوامع مرتبط

می‌باشند (کولری، ۲۰۰۹، ص ۳۶). پرخاشگری یکی از رفتارهای ضداجتماعی است که به‌عنوان آزار رساندن به دیگران به اشکال مستقیم و غیرمستقیم تعریف شده است (سوتر و پی‌هت، ۲۰۱۴، ۱۳). در تعریفی جامع‌تر به رفتار عمدی شخص چه کلامی و چه غیرکلامی که منجر به آسیب رساندن شخصی، روان‌شناختی یا جسمانی به خود و دیگران جهت رسیدن به هدف خاصی یا به‌منظور تخلیه هیجانی، پرخاشگری می‌گویند (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴۷).

جرائم خشونت‌آمیز بزه‌هایی می‌باشند که در قوانین کیفری جرم‌انگاری و برای آن‌ها مجازات تعیین شده است و «پرخاشگریانه بودن» مهم‌ترین شرط تحقق این‌گونه از جرائم است. به همین جهت تعریفی مشخص از واژه «پرخاشگری» لازم به نظر می‌رسد و تا به الآن تعریف همه‌پسندی از آن ارائه نشده، اما یکی از معروف‌ترین آن‌ها عبارت است از (حسینی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۶۶): «ایجاد ناراحتی‌های روان‌شناختی و یا وارد کردن صدمات جسمانی به دیگری که با قصد قبلی همراه است» (دادستان، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷).

یکی از مواردی که وفق تعریف مزبور می‌توان بیان داشت این است که «پرخاشگری لزوماً به معنای «رفتارهایی که سبب ورود آسیب‌های جسمانی می‌شوند» نیست، بلکه گاهی ممکن است دربرگیرنده رفتارهایی باشد که منجر به آسیب‌های روانی می‌گردند؛ به‌عبارت‌دیگر، چنانچه به جهت انجام یک رفتار، شخصی از «اعمال قریب‌الوقوع خشونت غیرقانونی نسبت به جسم خود به‌رأسد»، همین مقدار رفتار نیز باعث تحقق رفتار پرخاشگریانه و به عبارت حقوقی تهاجم ساده خواهد شد، حتی اگر درنهایت هیجانبسیب جسمانی نیز رخ ندهد» (حسینی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۶۹).

ذاتی بودن یا نبودن از دیگر مباحث مهم در میل داشتن در پرخاش توسط انسان است. دو نظر در این مورد وجود دارد: عده‌ای آن را ذاتی و عده‌ای اکتسابی و یادگرفتنی و درنتیجه‌ی عامل‌های اجتماعی تبیین می‌کنند. فروید و لورنز از برجسته‌ترین قائلین گروه اول (ذاتی بودن این تمایلات) بودند. هر دو بر این باور بودند که پرخاشگری با اسم و عنوانی پنهان، به‌تدریج در فرد زیاد شده و سپس احتیاج به خالی کردن آن دارد. به نظر فروید در صورتی که این انرژی در فرد به شکل درستی مانند انجام ورزش‌های

مختلف تخلیه شود، سازنده و مفید خواهد بود و اگر به این شکل نباشد ممکن است از راه‌های دیگری مثل انجام بزه‌های خشن خالی شود. پیروان این دیدگاه، علل مختلفی را تشریح کرده‌اند؛ مثلاً آن‌ها معتقدند در هنگام خشمگین بودن، تغییرهای متفاوتی در انسان رخ می‌دهد که نشانگر ذاتی بودن این حالت هیجانی است (حسینی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۶۸).

اما «گروه دیگر باور به ذاتی بودن پرخاشگری را مخرب تلقی می‌کنند. آن‌ها دلایل متعددی را ارائه می‌دهند که پرخاشگری منشأ غریزی و ذاتی ندارد و به همین دلایل از لحاظ اجتماعی هم قابل آموزش و هم قابل پیشگیری است» (حسینی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۶۸).

تقسیم‌بندی‌هایی از پرخاشگری در جرم‌شناسی وجود دارد؛ وفق یک دسته‌بندی، «جرم‌شناسان پرخاشگری را به دو بخش پرخاشگری «احساسی» و پرخاشگری «ابزاری» تقسیم‌بندی کرده‌اند. توضیح اینکه در شماری از جرائم خشونت‌آمیز، از پرخاشگری باهدف تخلیه خشم، عصبانیت و ناامیدی استفاده می‌گردد که در چنین مواردی به آن‌ها «پرخاشگری احساسی» گفته می‌شود، حال آن‌که در بعضی از موارد، پرخاشگری، ابزاری برای بهبود موقعیت اقتصادی یا اجتماعی مجرم تلقی می‌گردد که این نوع پرخاشگری، پرخاشگری ابزاری به حساب می‌آید. همانند استفاده از پرخاشگری در سرقت‌های مسلحانه» (حسینی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۶۹).

درواقع، سبب‌شناسی رفتارهای پرخاشگرانه بسیار پیچیده و مستلزم یافتن و بررسی نظریه‌های تبیین‌کننده این پدیده است.

در ادامه به نظریه‌های تبیین‌کننده پرخاشگری از منظر جرم‌شناسی _ روان‌شناختی پرداخته شده است:

نظریه‌های مختلف روانشناسی و جرم‌شناسی هرکدام با تأکید بر مفاهیم خاص به تبیین علل این رفتارها پرداخته‌اند. این نظریه‌ها پیوستار کاملی از مکاتب روان‌شناختی در برمی‌گیرند. برای مثال، نظریه ناکامی پرخاشگری (دولارد و همکاران، ۱۹۳۹: ۴۷)؛ نظریه روان-تحلیل یا فرویدی؛ نظریه پالایش پرخاشگری (لورنز، ۱۹۶۶، ص ۷)؛ نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا (بندورا، ۱۹۳۹: ۲۴). برخی از نظریه‌ها نیز بر متغیرهای

مختلفی نظیر شخصیت نوع الف، بوم بویایی، حرمت به خود، جاذبه درونی و غیره (بامیستر و کمپیل، ۱۹۹۹، ص ۶۳) در تعیین رفتارهای ضداجتماعی تأکید داشتند. در این میان، برخی از نظریات نیز رفتار ضداجتماعی را به پرخاشگری مربوط دانسته‌اند. جرم‌شناسان سه نظریه عمده درباره علل و انگیزه‌های پرخاشگری، مورد تبیین قرار داده‌اند:

(۱) نظریه زیستی پرخاشگری: زیگموند فروید، روان‌شناس معروف، اولین و برجسته‌ترین دیدگاه را در این خصوص ارائه کرده است.

«فروید، کلیه اعمال آدمی را با دو گزینه زندگی و مرگ تحلیل می‌کند و می‌گوید: گزینه مرگ هم باید به شکلی تخلیه شود؛ یا به بیرون، به صورت پرخاشگری و خشونت در دیگر کشی و یا به درون، به صورت اعمال خود تخریبی و خودکشی» (کریمی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۳).

به‌طور کلی، فروید بیان می‌کند که انسان‌ها دو دسته گزینه دارند؛ یکی غرایز معطوف به زندگی و دیگری، غرایز معطوف به مرگ. اولی به شکل کلی شامل مواردی می‌شوند که درصدد حفظ زندگی می‌باشند و دومی، شامل مواردی می‌شوند که یا معطوف به خود شخص و یا سایرین می‌باشند؛ اگر معطوف به خود ما باشند به اشکالی مثل مازوخسیم و یا روان رنجوری خودشان را نشان می‌دهند و اگر معطوف به دیگران باشند به شکل پرخاشگری ظاهر می‌شوند. در واقع، گویا فروید پرخاشگری را از نوع زیستی در انسان می‌داند و همانند گزینه جنسی که جزو غرایز زندگی است بایستی ارضا گردد. اگر این غرایز به شیوه صحیح ارضا نشود ممکن است آثار مخربی بر شخص داشته باشد و ارضا صحیح آن می‌تواند سازنده باشد. ارضا صحیح پرخاشگری به صورت جابه‌جا کردن موضوع این گزینه است؛ مثلاً به جای ضربه زدن به دیگری می‌تواند به کیسه بکس ضربه بزند.

گزینه پرخاشگری امری غیرطبیعی نیست. این گزینه، در تمامی مراحل زندگی ممکن است ظاهر شود و اساساً تمدن، مدنیت و قوانین موجود در جوامع در راستای کنترل گزینه پرخاشگری حرکت کرده‌اند و قانونی در کشوری مبنی بر آزادی مطلق این رفتارها وجود ندارد؛ مثلاً کشوری در قانون کیفری خود سرقت خشن و یا ضرب و جرح عمدی را مجاز نمی‌داند، بلکه آن را جرم‌انگاری و برای آن کیفر مشخصی در نظر گرفته است و

برای آن راهکارهای مختلفی در سطح جامعه مثل ساخت سالن‌های ورزشی در نظر گرفته شده است.

لورنز مثل فروید اعتقاد دارد که ذاتاً هم انسان و هم حیوان، پرخاشگر می‌باشند ولی حیوانات برخلاف انسان‌ها در طول رشد خود و برای حفظ گونه خود به سازوکارهایی رسیده‌اند که تکانه‌های پرخاشگرانه آن‌ها را علیه گونه خود مهار می‌کند مثلاً حیوانات، رفتارهای آداب گونه هنگام جنگ دارند که مانع از افزایش خشونت می‌گردد؛ مثلاً گرگ زمانی که مشاهده کند حریفش قدر است بر روی زمین دراز می‌کشد و گلپوش را نشان می‌دهد (شفیعی و شریف‌زاد، ۱۳۹۹، ص ۲۵).

«یافته‌های جالب زیست‌شناسی در مورد خشونت نیز قابل توجه است؛ مطالعات انجام شده در دانشگاه ییل در دهه ۱۹۶۰ نشان می‌دهد که پرخاشگری شکل واحدی ندارد، تحریک الکتریکی منطقه خاصی از هیپوتالاموس گربه باعث می‌شود که حیوان جیغ بکشد، موهایش سیخ شود و مردمک چشمش گشاد شود و به موشی که در قفسش قرار داده شده با چنگ و دندان حمله کند ولی هیجاسیبی به او نرساند و تحریک منطقه دیگری از این ساختمان مغزی، رفتاری کاملاً متفاوت ایجاد می‌کند؛ گربه در کمال خونسردی به سوی موش می‌رود و او را به آرامی پاره پاره می‌کند. به عکس در مطالعه دیگری دیده می‌شود که تخریب بخش کوچکی از بادامه (آمیگدالا) در گربه وحشی که ذاتاً پرخاشگر است، باعث می‌شود که حیوان رام شود» (شفیعی و شریف‌زاد، ۱۳۹۹، ص ۳۰).

به‌طور خلاصه، به عقیده فروید هیجان‌ات سرکوب شده می‌توانند در فرد انباشته شوند و باعث بروز علائم روانی نظیر هیستری و فوبی‌ها گردند. در واقع، عقیده فروید درباره پلایش هیجانی، پایه «الگو هیدرولیک خشم» را شکل داد (گین و کو آنتی، ۱۹۷۷، ص ۵۱). بر مبنای این الگو، ناکامی به خشم و پرخاشگری منجر می‌شوند و چنانچه خشم و پرخاشگری نیز به نوبه خود در درون فرد باقی بمانند، فشار هیدرولیکی در یک محیط بسته متراکم شده است تا آنکه با برخی شیوه‌ها تخلیه و آزاد شود، بنابراین، اگر افراد به خشم خود اجازه تخلیه ندهند و آن را در درون خود بریزند، در نهایت، این عمل باعث می‌شود تا به خشم پرخاشگری منجر شود (بوشمن، ۲۰۰۲). برخی از پژوهش‌ها نشان دادند ۴۰ تا ۷۵ درصد از جوانانی که به خاطر اعمال بزهکارانه دستگیر شده بودند مطابق

با معیارهای روان‌پزشکی پرخاشگر تشخیص داده شده بودند (هارینگستون و همکاران، ۱۹۹۱، ص ۲۴؛ مک کورد ۱۹۹۱، ص ۸۵). همچنین محققان نشان دادند که پرخاشگری دوره طفولیت، رفتارهای ضداجتماعی، برون‌سازی بعدی و سو مصرف مواد در دوره نوجوانی و جوانی (دابکین و همکاران، ۱۹۹۵، ص ۴۱) و شروع اولیه مصرف الکل و مواد مخدر را پیش‌بینی می‌کند (بویل و همکاران، ۱۹۹۲، ص ۵۶)، هرچند که مکانیسمی برای تخلیه هیجانات و احساسات می‌تواند نقش پرخاشگری را در جرائم کاهش داد.

۲) نظریه ناکامی-پرخاشگری: محرومیت و ناکامی‌ها حسب مراحل مختلف رشد کودک، می‌توانند در ظهور پرخاشگری در سنین بالاتر مؤثر باشد.

میلر یکی از روانشناسانی است که به این نظریه پرداخت و اشاره نمود که طی آزمایش‌هایی که انجام شد، این نتیجه حاصل شده است که هرچه شدت ناکامی بیش‌تر باشد شدت پرخاشگری نیز بیش‌تر است (ریو، ۱۳۹۶: ۵۶۴). «امسل، ناکامی را به گونه دیگری تعریف نمود؛ بر اساس تعریف امسل، اگر تقویت‌شده پیشین مورد تقویت قرار نگیرد، در جاندار ناکامی بروز می‌نماید، از نظر امسل، ناکامی دارای ویژگی انگیزشی (کشاننده‌ای) است و جاننداری که دچار ناکامی شده است، شدت رفتار او افزایش می‌یابد» (ریو، ۱۳۹۶، ص ۵۳۹). برخی از روانکاوان هم این نظریه را می‌پذیرند و در حقیقت، ناکامی را یکی از اصلی‌ترین علت‌های پیدایی پرخاشگری می‌دانند.

از وظایف مهم مشاوران و روانشناسان، روشن کردن اذهان عمومی و تسهیل عوامل بازدارنده خشونت در میان افراد کم سن و سال است، این موضوع بسیار حائز اهمیت است که ما از طریق مطالعات قابل‌سنجش و کاربردی، برنامه‌هایی را که به‌طور مؤثر از رفتارهای خشونت‌بار در میان کودکان و نوجوانان و همچنین عوامل زمینه‌ساز (مثل پرخاشگری) پیشگیری می‌کنند شناسایی کنیم و با دقت نتایج رفتاری مرتبط با این مداخلات را ارزیابی کنیم (هاوکینس، ۱۹۹۶، ص ۲۰۱).

باوجوداین، مطالعات امیدبخشی انجام شده‌اند که نشان می‌دهند ممکن است بتوان سیر تکاملی خشونت در نوجوانان را از دوران کودکی تغییر داد (میلر، ۲۰۰۰، ص ۳۲۱).

برای مثال، رویکردی با عنوان «رویکرد کل مدرسه»^۱ در جهت پیشگیری و مداخله در زمینه قلدری از زوایای متعدد و با نگاه مداخلاتی به طیف گسترده افراد در اجتماع مدرسه وجود دارد. درواقع، این نظریه که از مشهورترین پر استنادترین نظریه‌ها در خصوص پرخاشگری و خشونت است که درواقع، دو متغیر «ناکامی» و «پرخاشگری» را نسبت به یکدیگر تبیین و علت‌شناسی می‌کند (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱، ص ۸۹).

همان‌گونه که بیان شد خشم و پرخاش در نتیجه ناکامی به وجود می‌آیند و نظریه دولارد و همکارانش نیز در این خصوص است (تبریزی و رحمتی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳). فرض کنید شخصی برای آزمون کنکور ۳ سال تلاش کرده و در روز آزمون تصادف می‌کند و راهی بیمارستان می‌شود و ناکام جهت رسیدن به هدف خود (شرکت در کنکور و قبولی) شده است و به تبع این ناکامی دچار حالت خشم می‌شود.

۳. نظریه یادگیری اجتماعی: این نظریه بیان می‌کنند که پرخاشگری و رفتارهایی که در آن پرخاشگری وجود دارد، مثل سایر رفتارهای اجتماعی، اکتسابی است و فرد آن را فرامی‌گیرد.

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید آن است که پرخاشگری به چه صورتی شکل می‌گیرد و فرد چگونه آن را یاد می‌گیرد؟

تحقیقات بروکورتیز (۱۹۸۹) نشان می‌دهد که مشاهده وسایل و سلاح‌های پرخاشگری (صرف وجود آن‌ها) در فرد مشاهده‌کننده، سبب تحریک حالت پرخاشگری وی می‌شود او معتقد است که هر چه میزان حضور این محرک‌های دارای خشونت در شخص بیش‌تر باشد، میزان خشونت و مبارزه‌جویی وی نیز بیش‌تر می‌گردد (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۷). درواقع، او قائل بر ارتباط مستقیم میان آن‌ها است.

آلبرت بندورا (۱۹۹۱) در نظریه خود (پیشروی نظریه یادگیری اجتماعی)، معتقد است که رفتار دارای پرخاش، با مشاهده کردن رفتار سایر افراد (نه فقط از راه تجربه کردن) نظیر خیلی از رفتارهای اجتماعی فراگرفته می‌شود (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۷).

وی «معتقد است که اجتماعی کردن پرخاشگری، همانند دیگر رفتارها تا حدی موضوع

¹. school whole approach

شرطی‌سازی کنشگر است. والدین و دیگر عوامل اجتماعی شدن، هنگامی که کودکان، پرخاشگری خود را به روش‌های اجتماعی مناسب ابراز می‌کنند (برای مثال درباری‌ها یا شکار)، به آن‌ها پاداش می‌دهند و هنگامی که کودکان پرخاشگری خود را به روش‌های غیرقابل قبول ابراز می‌کنند (برای مثال کتک زدن کودکان کوچک‌تر)، آن‌ها را تنبیه می‌کنند. نهادهای مسئول اجتماعی کردن نیز تا حد زیادی، از طریق انواع الگوهای که به کودکان ارائه می‌کنند، آن‌ها را آموزش می‌دهند، کودکان الگوهای پرخاشگرانه را مشاهده می‌کنند، متوجه تقویت شدن آن‌ها می‌شوند و بنابراین، از آن‌ها تقلید می‌کنند. بندورا این فرآیند را در چندین آزمایش مورد بررسی قرار داد» (کرین، ۱۳۹۶، ص ۲۶۳).

بدین‌سان، می‌توان بیان داشت که نظریه یادگیری اجتماعی، برخلاف نظریه‌های یادگیری که در جرم‌شناسی جامعه‌شناسانه طرح و تشریح می‌گردد، دو مفهوم تقلید و یادگیری را تحت عنوان تبیین روان‌شناختی جهت علت‌شناسی رفتار مجرمانه بکار می‌گیرند (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱، ص ۲۸۵).

۲) روش

این مقاله، بر پایه مفهوم جرم‌شناسی پرخاشگری، به تحلیل جرایم خشن و راهکارهای کنترل و پیشگیری از آن‌ها می‌پردازد. مطالب مقاله بر این اساس، در پنج محور ارائه می‌شود. نخست، به مفهوم‌شناسی و تعریف پرخاشگری پرداخته می‌شود. دوم، با توجه به رویکرد جرم‌شناسانه پژوهش، مهم‌ترین نظریه‌های تبیین‌کننده پرخاشگری را با تمرکز بر دیدگاه جرم‌شناسی روان‌شناختی، معرفی و بررسی می‌کند. سوم، با توجه به جایگاه آمار جنایی در مطالعات جرم‌شناسی، به مسئله جرایم خشن در آینه این آمار می‌پردازد. بند چهارم، به یک نمونه پژوهی برگزیده درباره پرخاشگری در سرقت‌های خشن از منظر تکرار جرم در حقوق کیفری اختصاص می‌باید و سرانجام، در قسمت پنجم، راهکارهای کنترل و پیشگیری از جرایم خشن مبتنی بر پرخاشگری ارائه خواهند شد. پژوهش حاضر، به شیوه علمی _ مقایسه‌ای انجام شده است و از داده و منابع مرتبط با این موضوع اعم از کتب و مقالات استفاده شده است.

۳) یافته‌ها

در این قسمت یافته‌های پژوهش به شکل زیر تشریح شده است:

۳-۱) جرائم خشن از نگاه آمار جنایی

پس از مفاهیم و نظریه‌های اشاره‌شده در فصل‌های پیشین و تشریح نظریه و فرضیه‌های روانشناسان (حوزه روان‌شناسی اجتماعی) در ابتدای این فصل، لازم است در ادامه، با جایگاه جرائم خشونت‌آمیز از نگاه آمار، آشنا شد و به سؤالات مهمی که در این خصوص برای خواننده ممکن است طرح شود، مثل سن و نژاد بیش‌تر مجرمین سرقت‌های خشن، پاسخ داد.

قطعاً تخمین دقیق اثرات منفی یک بزه منوط به این نکته است که از طرفی به «نوع بزه ارتكابی» و از سمتی دیگر به «مرتکبین» آن‌ها توجه شود؛ در نتیجه، در خصوص بزه‌های خشونت‌آمیز، در کنار توجه به مؤلفه «پرخاشگری» بایستی با استفاده از آمار جنایی پی به آن برد که چه افرادی نسبت به دیگر افراد، مرتکب چنین بزه‌هایی می‌شوند. امروزه در جرم‌شناسی جهت دستیابی به هدف تشخیص ویژگی‌های مرتکبین یک بزه خاص، از نتایج الگوهای بزه استفاده می‌گردد که مهم‌ترین آن‌ها (الگوهای مزبور، متعدّدند) عبارت‌اند از: جنسیت، سن، نژاد و طبقه اجتماعی که در حقیقت با این پژوهش‌ها به دنبال رسیدن به دو هدف اصلی می‌باشند: (کلان و خرد) (حسینی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۷۰).

هدف کلان الگوهای بزه، «تصویرنگاری جنایی» است که از «ترکیب شدن الگوهای متفاوت بزه و کشف روابط آن‌ها باهم» پدید می‌آید. در این هدف، آنچه مهم است، بیان ارتباط بین الگوهای متفاوت و رسیدن به یک تصویر شفاف از اشخاصی است که بیش‌ترین احتمال انجام یک بزه را دارا می‌باشند. به‌طور نمونه، با استفاده از آمار جنایی به‌صورت رسمی، بیش‌تر تصویرنگاری جنایی جرمی مانند سرقت مقرون به آزار (سرقت خشن)، به‌عنوان یک جرم خشونت‌آمیز، به شکل زیر قابل ترسیم است (حسینی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۷۰):

جنسیت + سن + نژاد + طبقه اجتماعی	تصویرنگاری جنایی
مرد + نوجوان + سیاه‌پوست + فقیر	سرقت مقرون به آزار

وفق جدول بالا این نتیجه به دست می‌آید که از حیث جنسیت، مردان بیش‌تر از زنان، از جهت سن، نوجوانان بیش‌تر از کودکان، نوجوانان، میان‌سالان و افراد مسن، از منظر نژاد، سیاه‌پوستان بیش‌تر از سفیدپوستان و از حیث طبقه اجتماعی، طبقات پایین جامعه بیش‌تر از طبقات بالا در این جرم مشارکت دارند. به عبارت دیگر؛ بیشترین افرادی که در مظان ارتکاب جرم سرقت مقرون به آزار می‌باشند، «مردان نوجوان سیاه‌پوست فقیر» می‌باشند، دستاوردی که در جرم‌شناسی تحت عنوان «تصویرنگاری جنایی» ذکر می‌شود و قطعاً می‌تواند به نهادهای عدالت کیفری کمک بسیاری کند (حسینی و مصطفی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۷۱).

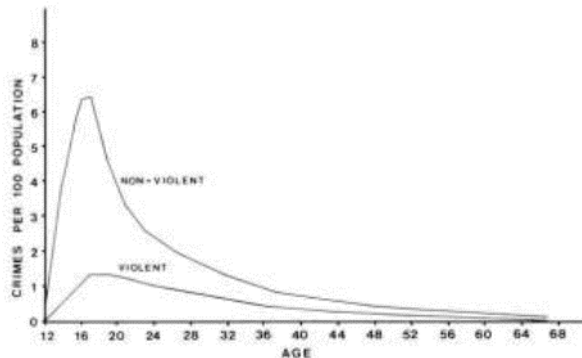
هم‌چنین، این دستاورد می‌تواند به جرم‌شناسان بالینی به جهت داشتن پیش زمینه اطلاعاتی در درمان مراجعین خود (مجرمین سرقت‌های خشن)، سرعت ببخشد.

«این در حالی است که هدف خرد الگوهای جرم، «بررسی مستقلانه هر الگو و کشف ارتباط آن با وقوع جرائم مختلف است، بدون آن که به چگونگی ارتباط میان الگوهای مختلف جرم با یکدیگر توجهی داشته باشد»، برای نمونه در خصوص الگوی سن و جرم، یک جرم‌شناس، بدون آن که به دنبال درک چگونگی ارتباط میان الگوی سن با دیگر الگوها همانند الگوی جنسیت، نژاد و طبقه اجتماعی باشد، صرفاً این موضوع را بررسی می‌کند که رابطه میان سن و جرم، چگونه قابل ترسیم است؟ الگوی سن و جرم در خصوص جرائم یقه آبی و یقه سفیدی چه دستاوردهایی را داشته است؟ آیا منحنی «سن-جرم» در خصوص تمامی مجرمین، خواه مجرمین اتفاقی و خواه مزمن به یک شکل قابل ترسیم است؟ اگر بله چرا و اگر خیر، به چه علت؟» (حسینی و مصطفی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۷۴).

یکی از سؤالات مهمی که بایستی به آن به صورت ویژه پرداخته شود این است که چه گروه سنی مرتکب این بزه نوع از بزه‌های خشن می‌گردند.

در دیدگاه اول، برخی از جرم‌شناسان معتقدند اکثر مرتکبان جرائم خشونت‌آمیز، مردان نوجوانی می‌باشند که جزء طبقات اجتماعی - اقتصادی پایین جامعه می‌باشند (حسینی و مصطفی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۷۵). آن‌ها بر این باورند درگیری نوجوانان در جرائم خشونت‌آمیز تا جایی است که امروزه جرم‌شناسان به دنبال آن می‌باشند که به صورت تخصصی به بحث‌هایی مثل «خشونت نوجوانان» بپردازند (حسینی و مصطفی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۷۷).

«برای اثبات این ادعا که گروه سنی نوجوانان بیشترین درگیری را در جرائم خشونت‌آمیز دارند، می‌توان به منحنی «سن-جرم» در کشورهای مثل آمریکا اشاره داشت. همان‌گونه که در نمودار زیر مشخص است منحنی «سن-جرم»، به‌عنوان یکی از «پذیرفتنی‌ترین حقایق جرم‌شناسی»، حکایت از آن دارد که در جرائم خشونت‌آمیز تعداد بزهکاران زیر ۱۱ سال بسیار اندک است، از این زمان به بعد، این منحنی سیر صعودی خود را آغاز می‌کند تا آن‌که در سن ۱۸ سالگی به نقطه اوج خود می‌رسد. از این نقطه، منحنی با نوعی قوس نزولی همراه است» (حسینی و مصطفی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۷۵). «امروزه در جرم‌شناسی آمریکا، سیر نزولی فوق را تحت عنوان پدیده‌ی «خروج از دنیای بزهکاری با افزایش سن» بیان می‌کنند. بر مبنای این پدیده، جرم‌شناسان برای این باورند ارتباط میان سن و جرم ارتباطی معکوس است. بدین معنی که اکثر اطفال و نوجوانان بزهکار با گذر از این دوره سنی، در اوایل دوران جوانی از دنیای بزهکاری خارج‌شده» (حسینی و مصطفی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۷۵) و به شهروندان مطیع قوانین و مقررات تبدیل می‌گردند.



نمودار (۱-۱): منحنی «سن - جرم» اطفال و نوجوانان بزهکار (سیگل و ولش، ۲۰۱۲: ۴۴)

در پژوهش‌هایی که در سال ۲۰۰۳ در کشورهای انگلستان و ولز نیز انجام شد، نموداری تقریباً مشابه با نمودار مذکور به دست آمده است؛ یعنی با تحلیل آمار جنایی موجود، محرز شد که دوره سنی ۱۵ تا ۱۷ سال، مهم‌ترین دوره سنی است که افراد در آن بزه انجام می‌دهند (خواه جرم خشونت‌آمیز، خواه جرم غیر خشونت‌آمیز) و پس از آن در ابتدای دوران جوانی سیر نزولی شروع می‌شود (حسینی و مصطفی پور، ص ۱۳۹۶).

«برخلاف دیدگاه نخست، در دیدگاه دوم، عده‌ای از جرم‌شناسان معتقدند در میان گروه‌های سنی، سنین ۱۸ تا ۲۵ سالگی به‌عنوان مهم‌ترین دوران سنی تلقی می‌گردد؛ چراکه در ابتدای این دوره سنی، سیر صعودی منحنی «سن-جرم» شدت گرفته و در ۲۵ سالگی به اوج خود می‌رسد» (حسینی و مصطفی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۷۶).

«در خصوص چگونگی ترسیم منحنی «سن-جرم» در ایران نیز هرچند به جهت عدم دسترسی آسان به آمار جنایی رسمی، اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما با توجه به ترکیب سنی بازداشت‌شدگان و جمعیت کیفری زندانیان ایران، بعید به نظر می‌رسد که همچون کشور آمریکا، نقطه‌ی اوج ارتکاب جرائم خشونت‌آمیز، سن ۱۸ سالگی باشد. به عبارت دیگر، به احتمال فراوان اوج ارتکاب جرائم خشونت‌آمیز، سنی بالاتر از ۱۸ سال باشد. برای نمونه با توجه به آمار ورودی زندانیان برحسب گروه‌های سنی به زندان‌های کشور از سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۰ مشخص می‌گردد بیشترین ورودی به گروه سنی «۱۹ تا ۲۵ سال اختصاص دارد»؛ (حسینی و مصطفی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۷۷). «بنابراین، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین گروه سنی در ایران، همانند کشورهای هم‌چون فرانسه، سن ۱۸ تا

۲۵ سال باشد، امری که متفاوت از دستاوردهای جرم‌شناسی آمریکا است» (حسینی و مصطفی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۷۷).

با توجه به مطالب مزبور بایستی اشاره داشت که منحنی «سن-جرم» در کشورهایمانند آمریکا، انگلستان و ولز از کشورهای مثل فرانسه و ایران تا حدی فرق دارند. جهت رسیدن به علل مهم این اختلاف بایستی بررسی‌های مجزایی صورت گیرد؛ البته شاید بتوان گفت که یکی از اصلی‌ترین این تفاوت‌ها، بافت فرهنگی و اجتماعی در این کشورها است. البته طبق تحقیقات امروزی، در هر صورت بایستی گروه سنی نوجوانان را اصلی‌ترین گروه سنی در ارتکاب جرائم خشن دانست (حسینی و مصطفی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۸۰).

۳-۲) نمونه پژوهی پرخاشگری در سرقت‌های خشن از منظر تکرار جرم در

حقوق کیفری

بزه سرقت زمانی که با اعمال عنف و خشونت قرین شود از حالت ساده خارج و سبب تشدید نوع جرم و مجازات آن می‌گردد. در این موارد، تشدید مجازات جرم نه بر اساس ارزش مال مسروقه، بلکه به خاطر خشونت به کار گرفته‌شده، لحاظ گردیده است. سرقت خشن یا سرقت مقرون به آزار و تهدید را این‌چنین تعریف کرده‌اند: «سرقت یا ربایش غیرقانونی مال دیگری به وسیله خشونت یا با تهدید به خشونت» (الیس، ۲۰۰۶، ص ۲۷۹).

عنصر قانونی بزه سرقت مقرون به آزار و تهدید در ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات- مصوب ۱۳۷۵ ذکر گردیده است؛ در ماده اخیر آمده است: «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد، به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد، علاوه بر مجازات جرح، به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد» همان‌طور که قابل ملاحظه است، با در نظر داشتن ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره ۲ و ۳ آن و ذکر ماده قانونی مربوط به این جرم در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مشخص می‌شود که سرقت مقرون به آزار و تهدید از جمله سرقت‌های تعزیری و مجازات آن از

نوع تعزیر درجه چهار است. رکن مادی جرم سرقت مقرون به آزار و تهدید عبارت است از ارتکاب فعل یا رفتار مادی فیزیکی از سوی سارق به شکل ربایش همراه با آزار و تهدید متصرف مال یا دیگران. این ربایش نیز بایستی نسبت به مال، انجام شود و این مال نیز، مال متعلق به غیر باشد. با عنایت به بکار رفتن واژه «آزار» به‌طور عام، جهت تحقق جرم، شدت یا نوع آزار مهم نیست؛ بنابراین، انواع مختلف آزار جسمی و روحی را شامل می‌شود. اذیت و آزار در لغت هم‌معنی می‌باشند و در اصطلاح کیفری و عرف قضائی نیز مصادیق و معنای یکسان دارند، هرچند که برخی حقوقدانان معتقدند آزار شدیدتر از اذیت است (پاد، ۱۳۴۷، ص ۳۵).

علیرغم ذکر نشدن واژه تهدید در ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی برخلاف ماده ۲۲۳ قانون مجازات عمومی، لیکن می‌توان تهدید را نیز نوعی آزار روحی دانسته و آن را مشمول این ماده قرار داد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۹).

با توجه به ذکر عبارت «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد»، می‌توان نتیجه گرفت که آزار باید در زمان ارتکاب سرقت صورت گیرد. هم‌چنین، لازم نیست آزار یا تهدید علیه شخص مالباخته بوده و یا جراحت لزوم بر جسم خودش واقع گردد و همین‌که مرتکب در حین ارتکاب سرقت نسبت به شخص مالباخته و یا شخص دیگری آزار رساند، سرقت مقرون به آزار و تهدید واقع می‌گردد، مشروط بر آن‌که آزار نسبت به صاحب‌مال نبوده، بلکه نسبت به شخص دیگر اعمال گردد، آن شخص نیز می‌بایست در محدوده مکانی جرم سرقت حضور داشته باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۵).

البته ذکر این مطلب ضروری است که آزار رسانی علیه افراد یادشده، باید بر روی صاحب‌مال تأثیرگذار باشد. در خصوص عبارت «یا سارق مسلح باشد» که در متن ماده‌قانونی بکار رفته است می‌توان با مدنظر قرار دادن ضابطه عینی و عرف جامعه نتیجه گرفت؛ صرف همراه داشتن آشکار سلاح از سوی سارق، به‌خودی‌خود نوعی آزار و لاقفل تهدیدی را برای بزه دیده به دنبال خواهد داشت و بدین سبب عنوان سرقت مقرون به آزار بر عمل آنان صادق است (حسینی و اعتمادی، ۱۳۹۴، ص ۵۶). رکن روانی این جرم نیز عبارت است از این‌که اولاً سارق در ارتکاب عمل مادی ربودن مال متعلق به دیگری سوءنیت داشته، یعنی به‌قصد تصرف مال اقدام به ربایش آن کرده باشد، همچنین،

مرتکب در انجام رفتار آزاردهنده عامل باشد و آن را از روی اراده انجام دهد (سوءنیت عام). در نتیجه، در صورتی که عمل مرتکب نوعاً آزاردهنده باشد فرض بر آن خواهد بود که وی به کیفیت عمل خود آگاهی داشته است. همچنین می‌بایست به کارگیری عمل آزاردهنده برای ارتکاب سرقت باشد؛ بدین معنی که مرتکب با انجام آن قصد تسهیل ربایش مال متعلق به غیر را داشته باشد که این امر نیز در نظریه‌ای از اداره حقوقی قوه قضاییه در شماره ۴۴ هفته‌نامه دادگستری به تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۳ بدین شرح ذکر گردیده است: «سرقت مقرون به آزار در صورتی تحقق پیدا می‌کند که آزار به قصد ارتکاب سرقت یا تسهیل وقوع آن و مقارن سرقت واقع شود»؛ ثانیاً مال منقول متعلق به دیگری را آگاهانه و عالمانه بعد از ربودن تصرف کند و ببرد (سوءنیت خاص).

۳-۳) راهکارهای کنترل و پیشگیری از پرخاشگری و جرائم خشن

ظهور رفتارهای دارای خشونت و پرخاشگری در اشخاص، امری بدیهی است و یکی از علل آن می‌تواند ناکامی‌های آنان خصوصاً در دوران کودکی باشد. همان‌طور که اشاره شد جابه‌جایی و تخلیه انرژی در راه‌هایی غیر از بزه‌های خشن مثل ورزش می‌تواند عامل مهمی جهت مهار این گزینه باشد و در نهایت ممکن است سازنده باشد. راهکارهای مختلفی را در حوزه‌های متفاوتی می‌توان در خصوص مهار و جابه‌جایی این انرژی‌ها که ممکن است تبدیل به پرخاشگری و سپس جرائم خشن شوند؛ تبیین نمود که در ادامه، هر یک بررسی خواهند شد.

۳-۳-۱) اعتقادی و فرهنگی

در فصل اول، آموزه‌های دینی در خصوص سرقت و خشونت تبیین شد. یکی از راه‌هایی که باعث می‌شود تا فرد، در زمان پرخاش دست به بزه‌های خشن مانند سرقت، قتل و تجاوز به عنف نزند، قوی بودن اعتقادات او است. زمانی که شخص به یقین برسد که خالی کردن این انرژی‌ها در جاهایی که می‌تواند منجر به آسیب به دیگران گردد (مثل ضرب و جرح و ...) و این عمل چه آثار سوء مادی و معنوی برای او دارد به سمت این نوع از گناهان (خصوصاً موارد مزبور که از گناهان حق‌الناس می‌باشند) نمی‌رود.

بنابراین، یکی از راهکارهای مقابله با این نوع از بزه‌های خشن مانند سرقت خشن، بالا

بردن سطح آگاهی دینی و فرهنگی اشخاص است. آشنایی درست با آموزه‌های ناب اسلامی توسط اشخاص می‌تواند سبب عدم ارتکاب این نوع از بزه‌ها گردد و آنان را در مسیر سالم زیستن قرار دهد.

۳-۳-۲) ورزشی

ساخت سالن‌های ورزشی و تشویق اشخاص خصوصاً نوجوانان و جوانان (با عنایت به آمارهای گفته‌شده)، می‌تواند اثرات زیادی بر تخلیه صحیح این پرخاش‌ها و آرامش در جامعه داشته باشد؛ بنابراین ورزش کردن خصوصاً به شکل گروهی در سالن‌های ورزشی می‌تواند اثرات زیادی در مهار این گزینه طبیعی، به شکل درست داشته باشد.

۳-۳-۳) جرم‌شناسی بالینی و درمان

روان‌درمانگران حوزه جرم‌شناسی بالینی می‌توانند با درمان مجرمین مرتکب به جرائم خشن مثل مجرمین مرتکب به بزه سرقت‌های مقرون به آزار، اثرات بسیار زیادی در پیشگیری از جرائم مجدد آن‌ها داشته باشند.

در مفهوم مضیق، جرم‌شناسی بالینی به معنای مطالعه چندگونه‌ای حالت فردی بزهکار جهت پیشگیری از تکرار جرائم توسط آن شخص است (نوربها، ۱۳۹۲، ص ۳۷). در حقیقت، جرم‌شناسی بالینی شامل هم درمانگاه جرم‌شناسی و هم تحقیقات بالینی است. اولی، اصولاً عمل‌گرا بوده و بر اساس کیفیت گفتگویی است که متخصص بالینی با بزهکار انجام می‌دهد و دومی، از جهت کیفیت در سطح بالایی قرار می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷، ۴۴). فرض کنید شخصی مرتکب بزه سرقت مقرون به آزار و ضرب و جرح عمدی شده است و از بهداشت روانی پایینی برخوردار است و نیاز به درمانگر دارد، در صورت درمان وی چه توسط درمانگران حوزه جرم‌شناسی بالینی یا غیراز آن و یا توسط روانکاوان، گام بلندی در پیشگیری از بزه‌های مجدد وی برداشته شده است.

۳-۳-۴) ازدواج و تشکیل خانواده

تخلیه گزینه جنسی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین غرایز در انسان، اگر به شکل درستی صورت گیرد (ازدواج صحیح و تشکیل خانواده)، آثار مثبتی در جهت درمان بسیاری از

اختلال‌های روانی مثل وسواس و ... دارد. یکی از راهکارهایی که سبب آرامش در شخص و به‌عنوان یک بازدارنده در مسیر پرخاشگری است، ازدواج و تشکیل خانواده به شکل درست آن است؛ لازم به توضیح است که ازدواج‌های غلط به جهت عللی مثل ناکامی در شخص خود می‌تواند عاملی در ظهور و تقویت پرخاشگری باشد. در نتیجه، داشتن ظرفیت روانی شخص و سلامت روان داشتن و آگاهی از مسئله ازدواج و تشکیل خانواده شرط مهمی جهت گام برداشتن در مسیر مهم تشکیل خانواده است و ممکن است شخصی ماه‌ها نیاز به درمان توسط روان‌درمانگر داشته باشد تا بتواند آمادگی روانی پیدا کند. دین مبین اسلام پیش و بیش از تمامی این نظریه‌ها تأکید بر ازدواج جوانان داشته و در آیات و روایات مختلف به این موضوع مهم و بنیادین خانواده پرداخته است و امروزه روان‌شناسان به این موضوع اذعان کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، پژوهشگران تلاش کردند که خصوصیات شخصیتی رفتاری پرخاشگری توسط مرتکبین جرائم خشن را شناسایی کنند. پرخاشگری و جرائم خشن برخاسته از آن، به دلیل اثرات مخربی که از جهات بازتاب اجتماعی دارند، لازم است با رویکردی چند رشته‌ای - میان‌رشته‌ای مبتنی بر ارائه راهکارهای جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. عوامل درونی و بیرونی زیادی می‌تواند سبب تحقق پرخاشگری در حین ارتکاب جرائم گردد و یکی از راهکارهای مناسب در راستای پیشگیری از پرخاشگری درمان مرتکبین توسط جرم‌شناسان بالینی و متخصصان حوزه روانشناسی بالینی است. به نظر می‌رسد در جامعه ما به‌مثابه ابزار و شیوه قابل قبول برای تخلیه انرژی و کاهش پرخاشگری در زندگی روزمره افراد از الگوهای رفتاری خاص مانند اجبار به ورزش کردن و آگاه‌سازی عمومی در جهت پیشگیری از قربانی شدن و کاهش پرخاشگری و هشدار و اطلاع دادن از میزان مجازات قانونی جرائم خشن و برنامه‌های مذهبی و اعتقادی نقش بسزایی در کاهش خشونت دارد. این پژوهش تأیید کرد که پرخاشگری به سایر مشکلات رفتاری مرتکب ارتباط دارد و می‌بایست قبل از اتمام حبس و در طول تحمل حبس زیر نظر متخصصین روان‌درمانگر از وضعیت اخلاقی و رفتاری مرتکب اطمینان حاصل کرد و آموزش مهارت

همدلی و ارتباطات اجتماعی در فضای زندان در طول اجرای حبس به کاهش رفتار پرخاشگرانه منجر می‌شود. از این‌رو، می‌توان گفت که همدلی به فرد امکان می‌دهد که در برابر اطرافیان خود دارای مسئولیت اجتماعی قرار گیرد و ماهیت رفتار پرخاشگرانه خود را نادیده بگیرد و برنامه‌های اصلاحی بعد از خروج زندان در راستای حفظ رفتار اصلاح‌شده می‌بایست همچنان تحت نظارت جرم‌شناسان و روان‌شناسان مجرب قرار گیرد تا از پرخاشگری مجدد پیشگیری نمود و ارتباطات او را با دیگران تحت مراقبت و حفاظت کنترل شده قرار داد. از این‌رو، عدم کنترل پرخاشگری سبب بروز عوارض جسمی و روانی و اجتماعی می‌شود و پرخاشگری می‌تواند پیش‌بینی‌کننده استفاده از مواد مخدر، الکل و کشیدن سیگار و سازگاری کم در محیط‌های اجتماعی و احساس درماندگی و بی‌توجهی به حقوق و خواسته دیگران و زخم معده و اختلال فشارخون و افسردگی باشد. رفتارهای پرخاشگرانه می‌تواند با بیماری‌های جسمی در ارتباط باشد. از سوی دیگر، بر اساس یافته‌های محققان تخلیه پرخاشگری می‌تواند تحریک روان‌شناختی را کاهش دهد، اما افراد باید خشم و پرخاشگری خود را مستقیماً در مقابل عصبانی‌کننده ابراز دارند و همچنین باید باور داشته باشند که عامل عصبانی‌کننده دست به تلافی نخواهد زد و کاهش خشم و پرخاشگری ارتباط نزدیکی با تنظیم و مهار هیجانی دارد تا با استفاده از راهبردهای مختلف روان‌شناختی رفتارهای پرخاشگرانه‌ی خود را تحت مهار درآورند که تنها راه تخلیه پرخاشگری ارتکاب رفتار ضداجتماعی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. اشرفی، سحر؛ حدادی، معصومه؛ نشیبا، نازبانو؛ قاسم‌زاده، عزیزرضا، «اثر بخشی آموزش خودآگاهی بر انگیزش پیشرفت تحصیلی و پرخاشگری دانش‌آموزان»، مجله توسعه آموزش جندی‌شاپور، شماره ۱، ۱۳۹۳.
۲. دادستان، پریخ، «روان‌شناسی جنایی»، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶.
۳. حسینی، سیدمحمد؛ مصطفی‌پور، مسعود، «جرم‌شناسی عصب؛ رویکردی نوین در تحلیل جرائم خشونت‌آمیز اطفال و نوجوانان (با تأکید بر منحنی سن-جرم)»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۹، ۱۳۹۶.
۴. یاد، ابراهیم، «حقوق کیفری اختصاصی»، دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۷.
۵. میرمحمدصادقی، حسین، «جرائم علیه اموال و مالکیت»، نشر میزان، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۹۲.
۶. حسینی، سید محمد؛ اعتمادی، امیر، «سرفت مقرون به آزار در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۳، ۱۳۹۴.
۷. کریمی، یوسف؛ «روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)»، نشر ارسباران، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
۸. شفیعی، صابر؛ شریف‌زاده، میلاد؛ «بررسی پرخاشگری دانش‌آموزان»، مجله پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات، شماره ۱۲، ۱۳۹۹.
۹. مارشال ریو، جان، «انگیزش و هیجان»، (مترجم: یحیی سیدمحمدی)، انتشارات ویرایش، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶.
۱۰. کرین و یلیام، «نظریه‌های رشد»، (مترجمان: غلامرضا خوی نژاد و علیرضا رجایی)، انتشارات رشد، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶.
۱۱. نوربها، رضا، «زمینه جرم‌شناسی»، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۲.
۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید، «دانشنامه جرم‌شناسی»، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۷.
۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد، «کلیات جرم‌شناسی-محتوا و تحول؛ از دیروز تا امروز»، نشر نگاه معاصر، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۱.
۱۴. محسنی تبریزی، علیرضا؛ رحمتی، محمدمهدی، «سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت، پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و ارائه یک مدل علمی-توصیفی خشونت در ورزش»، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۱۰، پایایی ۱۳۸۱، ۱۹.

15. Cooley-Strickland M, Quille TJ, Griffin RS, Stuart EA, Bradshaw CP, Furr-Holden D. "**Community violence and youth: Affect, behavior, substance use, and academics.** *Clin Child Fam Psychol Rev*"; 12(2):p 127-56, 2009.
16. Suter, M. Pihet, S. de Ridder, J. Zimmermann, G. & Stephan, P. "**Implicit attitudes and self-concepts towards transgression and aggression: Differences between male community and offender adolescents, and associations with psychopathic traits**". *Journal of adolescence*, 37(5), p 669-680, 2014.
17. Wild, Ellis, **websters New World Law Dictionary**, NewYork : WileyPublishiing, Inc, 2006.



The criminological approach to violent crimes based on aggression and preventive measures against them

Ali Paydar fard^۱, Ghodrat Bashiri^۲, Mehrdad Raijian Asli^۳

Received: 2022/02/18 Accepted: 2022/05/24

Abstract

Understanding the personalities of perpetrators of violent crimes from the perspectives of psychologists and criminologists is one of the key research areas for exploring psychological studies of violent crimes within the criminal justice field. This study aims to investigate the role, application, and solutions of scientific psychology concerning individuals who commit violent crimes. The violence exhibited by offenders is a result of personality disorders, internal and external family issues, and the effects of power and wealth inequality in society. Through clinical psychology and criminal psychology, experts in this field can prevent recurrent aggression and work towards reconstructing the offender's personality to minimize aggression levels and reduce the number of aggressive individuals. Additionally, categorizing these offenders under anger management programs can assess their actions during the commission of the crime, determining punishments based on such assessments. Despite legislative measures and reform programs implemented by prison classification councils, aggressive violence in society has been on the rise, and reducing the criminal prison population (including the 1399-approved law on reducing punitive imprisonment) has proven ineffective.

Keywords: Aggression, Violence, Violent Crimes, Criminology, Personality.

¹. PhD student of Tehran University, criminal law and criminology

². Master of Qom University, criminal law and criminology

³. Research and Development of Human Sciences of Member of the Faculty